



نخستین همایش ملی اخلاق و عرفان در ادب فارسی

مبانی معرفتی اسلام رحمانی

دکتر احمدرضا کیخای فرزانه*

حجه الاسلام جعفر پورصمدی**

دکتر محمد زارعی***

چکیده

«اسلام رحمانی» اصطلاحی نو ظهور است که از یک دهه ی پیش وارد ادبیات نواندیشی دینی - سیاسی ایران شده است؛ اما بنیادهای نظری و عملی این گفتمان، ریشه و پیشینه ای طولانی تر دارد. رحمت و رحمانیت در مبانی دینی از جایگاه ویژه و پُر اهمیتی برخوردار است. به گونه ای که در توحید تمرکز تمامی صفات خداوند بر روی صفت رحمت بوده و صفاتی چون منتقم قهار و... نیز در سایه رحمانیت ظهور می کنند. در مسئله نبوت و امامت به عنوان یکی از لوازم مهم این منصب الهی به شمار می آید. همچنین در معاد که تجلی گاه واقعی صفات الهی به شمار می رود، صفت رحمت با ظهورش دیگر صفات را زیر سایه خود قرار می دهد. وجود بینش رحمانی در انسان باعث ایجاد گرایش هایی همچون شکرگذاری، فرمانبرداری، زیباییگری، عیب پوشی، خیرخواهی و مدارا محوری می شود که هریک از اینها باعث کنشهای مهرورزانه ای در زمینه های مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی می گردد که حداقل دستاورد آن ایجاد تعاملی خداپسندانه و بدور از هر گونه خشونت و کج فهمی و نامهربانی خواهد بود. از آن جا که تا کنون این موضوع بدین صورت مورد بحث قرار نگرفته است، اهمیت و انحصاری بودن آن را دوچندان می کند. و از آن روی که بینشها و باورها نقش اصلی را در بروز رفتارهای انسان ایفا می کنند بررسی این بینشها ضرورت می یابد. هدف مقاله پیش رو بررسی شاخصه های رحمانی در بُعد بینشی، است که به روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد قرآنی-روایی پس از بررسی و تحلیل منابع به این نتیجه دست می یابد، که بُعد رحمانیت یک مسلمان باید بر باقی ابعاد و صفات او غالب باشد. البته برای رسیدن به بُعد رحمانیت ابتدا باید بیش انسانها اصلاح گردد و تا به بینش صحیح از خدا، خود و جهان نرسد نمی تواند به بُعد رحمانیت دست یابد.

واژگان کلیدی: شاخص، بینش، رحمت، سیره

* دانشیار، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان keikhafarzaneh@lihu.usb.ac.ir

1 **سطح ۳ حوزه، کارشناسی ارشد شیعه شناسی، Alipoorsamadi96@gmail.com



نخستین همایش ملی اخلاق و عرفان در ادب فارسی

***استادیار گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، M.zarei1395@gmail.com

مقدمه

خداوند نعمت زندگی را به هر انسانی عطا نموده است، آنگاه مسیر درست و نادرست را به او نشان داده است. از این رو انسان باید برای شناخت زندگی ابتدا سراغ خداوند برود و از آنجا که خداوند، انبیاء و اهل بیت^ع را برای هدایت انسان فرستاده از این رو برای درک رحمانیت و شناخت درست آن در مسیر زندگی رحمانی ناگزیر بایستی به سخنان گران سنگ امامان معصوم^ع متمسک شویم. همان گونه که قرآن پیامبر را به عنوان برترین الگو معرفی می کند. (أحزاب، ۲۱) در سنت و منش ایشان می توان خطوط اصلی زندگی و شاخص هایی در زمینه زیست رحمانی در عرصه بینشی، گرایشی و رفتاری، مشاهده کرد که این شاخص ها به صورت واضح و آشکار می تواند سر لوحه زندگی انسان ها قرار گیرد.

آیات و روایات، بینش رحمانی را به عنوان شاخصی مهم برای یک مسلمان و بلکه یک انسان دانسته اند و تمرکز آنها بر روی این صفت، بیش از دیگر صفات می باشد. بنابر این پرداختن به مبانی فهم این صفت، از آن رو مهم است که براساس این مبانی و قواعد می توان به زندگی با رفتاری مبتنی بر شاخص های معرفی شده از سوی منبعی و حیانی دست یافت. خصوصاً در دوره معاصر که نگاه اکثر انسان ها به سوی دین اسلام و مسلمانان نگاهی خشن و به دور از هرگونه مهر و محبتی است. در این میان قطعاً معرفی این فهم و بینش رحمانی از اسلام و بلکه از یک انسان از نگاه اسلام جایگاه خاصی دارد. البته نگاه خشن اکثریت از اسلام نیز برخواسته از رفتار عده ای تندرو و افراطی می باشد که هیچ کدام از رفتارهایشان برطبق شاخصه های بیان شده در اسلام نیست. متأسفانه رفتار اشتباه آنان، که زندگی خود را برطبق بنا نهاده اند نیز برخواسته از فهم نادرست می باشد. با توجه به فرمایش امیرالمومنین^ع در مورد اهمیت فکر و اندیشه که: «الْعُقُولُ أَيْمَةٌ الْأَفْكَارِ وَالْأَفْكَارُ أَيْمَةٌ الْقُلُوبِ وَالْقُلُوبُ أَيْمَةٌ الْحَوَاسِ وَالْحَوَاسُ أَيْمَةٌ الْأَعْضَاءِ» (کراجکی، ۱۴۱۰: ۲۰۰) تمام رفتارهای آدمی از افکار او سرچشمه می گیرد، لذا اگر فکر و نگاه تغییر کند، بدون شک باعث تغییر گرایش های او و در نتیجه به تغییر در رفتار او منجر خواهد شد. انسان برای انجام عملی ارادی، ابتدا به معرفت و شناخت نیازمند است. باید گفت تا فرد، دارای بینش و معرفت واقعی نسبت به خداوند متعال و مخلوقاتش نباشد، به گرایش و کنش نیکو نیز دست نخواهد یافت و در نتیجه در زمره مهرورزان